



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	مفهوم‌شناسی غیبت
۲.....	مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت
۲.....	مرور گذشته
۲.....	بررسی طایفه چهارم روایت
۲.....	روایت اول
۲.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳.....	روایت دوم:
۳.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳.....	روایت سوم:
۴.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴.....	روایت چهارم:
۴.....	روایت پنجم:
۵.....	روایت ششم:
۵.....	روایت هفتم:
۵.....	روایت هشتم:
۶.....	روایت نهم:
۶.....	جمع‌بندی
۶.....	راه‌حل‌هایی برای کنار گذاشتن اطلاق
۷.....	نتیجه‌گیری



مفهوم‌شناسی غیبت

مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت

مرور گذشته

بحث در مبحث نهم بود. طوایف پنج‌گانه را نیز بررسی کردیم. ما بحث‌ها ابتدا طایفه اول بعد طایفه ثانیه را بررسی کردیم. همچنین طایفه سوم را مورد بررسی قرار دادیم. در طایفه سوم تعبیر مسلم یا چیزی شبیه مسلم آمده بود. در مقابل هم جوهری را عرض کردیم که اطلاق وجود ندارد. در بررسی این طایفه متوجه شدیم که حرمت غیبت شامل همه‌ی فرق مسلمین می‌شود. البته ناصبی مشمول دلیل نمی‌شوند.

بررسی طایفه چهارم روایت

طایفه چهارم، روایاتی است که دایره‌ی بحث را از مسلم فراتر می‌داند. عناوینی که در این طایفه وارد شده بود «ناس» و «رجل» بود. اگر ظاهر کلمات را بخواهیم در نظر بگیریم، اعم از مسلم و غیرمسلم است. در این طایفه روایاتی وارد شده بود که به صورت خلاصه مرور می‌کنم.

روایت اول

«وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: إِيَّاكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِذَا مَنَّ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ.»^۱

در ابتدا نهی از غیبت کردند، در ذیل می‌فرمایند: «لُحُومَ النَّاسِ»

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت مرسله است و قابل مناقشه است. از لحاظ دلالت نیز تعابیر «لُحُومَ النَّاسِ» ناظر به آیه شریفه است. آیه نیز در مورد مؤمن است. در نتیجه می‌توانیم بگوییم اطلاقی در آیه نیست. چون این تعبیری است که از قرآن گرفته شده است، این حدیث باید در ذیل آیه تعریف بشود. وقتی در ذیل آیه تعریف می‌شود، انعقاد اطلاق از این بعید است. آیه قطعاً شامل غیرمسلم نیست.



حتی این روایت لحن مفسریت ندارد. امام سجاد (ع) در مقام موعظه دیگران، موعظه‌ی قرآن را بیان می‌کند. حتی اگر این احتمال هم باشد، از حالت مفسریت بیرون می‌رود.

روایت دوم:

روایت نهم مستدرک است. این روایت نیز از لحاظ سند مشکل دارد.

«وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ع ابْنِهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ نَزَّهَ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَى أَحَبِّ مَا فِي وَعَائِهِ فَأَفْرَغَهُ فِي وَعَائِكَ.»^۱

امام علی (ع) دیدند که در نزدیکی امام حسن (ع) کسانی غیبت می‌کنند. امام علی (ع) به امام حسن (ع) فرمودند: گوشت را از شنیدن این غیبت مصون بدار. خبیث‌ترین چیزی که در باطن او است به باطن شما می‌ریزد. استماع غیبت به این شکل است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت می‌گوید: «رَجُلٌ يَغْتَابُ رَجُلًا». این مطلق است. جواب این اطلاق این است که در اینجا قضیه شخصی است و به اطلاق آن نمی‌توانیم تمسک کنیم. این قضیه حقیقه نیست. شاید آن رجل مسلم بوده است. در جواب نیز حضرت می‌فرمایند «نَزَّهَ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا». امام (ع) در مقام حقیقه هستند. شاید آن مورد مسلم بوده است و نمی‌توانیم بگوییم که این سخن اطلاق غیرمسلم را دارد.

روایت سوم:

روایت پانزدهم همین باب است. این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

«ابْنُ بَسْطَامٍ فِي طَبِّ الْأَئِمَّةِ، ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَخِي يَعْقُوبَ عَنْ دَاوُدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ قَوْمًا مِنْ عُلَمَاءِ الْعَامَّةِ يَزُودُونَ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّحَّامِينَ وَيَمُتُّ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِي يُؤْكَلُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ اللَّحْمُ فَقَالَ ع غِلْطُوا غَلْطًا بَيْنًا



إِنَّمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ يُغِضُ أَهْلَ بَيْتٍ يَأْكُلُونَ فِي بُيُوتِهِمْ لَحْمَ النَّاسِ أَيَّ يَغْتَابُونَهُمْ مَا لَهُمْ لَا يَرْحَمُهُمُ اللَّهُ عَمَدُوا إِلَى الْكَلَامِ فَحَرَفُوهُ بِكَثْرَةِ رَوَايَتِهِمْ.^۱

آقای سکونی می گوید که عامه می گویند، پیامبر (ص) فرموده است، کسانی که هر روز گوشت می خورند مورد لعن هستند. حضرت می فرمایند: این اشتباه است. پیامبر (ص) فرمودند: منظور خوردن گوشت انسان است و مقصود همان غیبت است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نیز «الناس» آمده است. این روایت نیز ناظر به آیه است. اگر ما مفسر نگیریم، آیه قرینه می شود که منظور از ناس، مؤمن است.

روایت چهارم:

روایت بیست و دوم است.

«وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَزَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلَى قَوْمٍ يَحْمِسُونَ وَجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.»^۲

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

روایت پنجم:

روایت بیست و ششم است.

«وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي مَسِيرٍ فَأَتَى عَلَى قَبْرَيْنِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُمَا فَقَالَ إِنَّهُمَا لَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرَةٍ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَغْتَابُ النَّاسَ الْخَبَرَ.»^۳

۱ همان، ص ۱۱۶ و ۱۷۷.

۲ همان، ص ۱۱۹.

۳ همان، ص ۱۲۰.



این روایت نیز ضعیف است. دلالت در اینجا نیز مشکلی دارد. زیرا قضیه شخصیه است. قاعدتاً در قبرستان مسلمانان بوده است. حتی اگر شک بکنیم کافی است.

روایت ششم

روایت بیست و هشتم است.

«وَرُوِيَ: أَنَّ النَّاسَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ص كَانُوا لَا يَرُونَ الْعِبَادَةَ التَّامَّةَ لَا فِي الصَّوْمِ وَلَا فِي الصَّلَاةِ وَلَكِنْ فِي الْكُفِّ عَنْ أَغْزَاضِ النَّاسِ.»^۱

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

روایت هفتم:

روایت سی و یکم است.

«وَقَالَ ص: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وَلَدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ اجْتَنَبُوا الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِذَا مُمِ كِلَابِ النَّارِ.»^۲

این روایت نیز ناظر به آیه است.

روایت هشتم:

روایت چهل و سوم است.

«الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الرُّوضَةِ، عَنِ الْبَاقِرِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَقْبَلَ قَوْمٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا يَجِدُونَ لِأَنْفُسِهِمْ حَسَنَاتٍ فَيَقُولُونَ إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا فَعَلْتَ حَسَنَاتِنَا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَكَلْتُمُ الْغَيْبَةَ إِنَّ الْغَيْبَةَ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحُلُقَاءَ.»^۳

۱ همان، ص ۱۲۰.

۲ همان، ص ۱۲۱.

۳ همان، ص ۱۲۴.



روایت نهم

روایت سوم باب ۱۵۴ وسائل الشیعه است.

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ لَا نَعْلَمُهُ إِلَّا يَحْيَى الْأَزْرَقُ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ.»^۱

در این روایت ضمیر به «رجلاً» برمی گردد و اطلاق دارد. سند این روایت به شکلی قابل تصحیح است.

جمع بندی

تنها روایت تام، روایت سوم باب ۱۵۴ وسائل الشیعه است. چند روایت دیگر نیز دلالت تام داشت ولی سنداً ضعیف بود.

ممکن است کسی در تمام این موارد به انصرافی قائل بشود. «رجل» و «ناس» در این روایات منصرف به مسلم است. البته محقق اردبیلی احتمال شمول دادند. به خاطر ضعف اسناد و انصراف به مسلم، شمول را قائل نشده اند. ارتکازات نیز همین است.

راه حل هایی برای کنار گذاشتن اطلاق

در نتیجه دو راه حل برای کنار گذاشتن این روایات وجود دارد:

الف) روایات ضعیف هستند. که این احتمال جواب دارد. روایت سوم باب ۱۵۴ وسائل الشیعه قابل تصحیح است. تعدد نیز در حدی است که نمی توانیم از آن چشم پوشی کرد.

ب) راه دوم این است که بگوییم انصراف دارد.

ج) سیره و ارتکاز شرعی وجود دارد که موجب می شود این اطلاق را تخصیص بزنند.

ممکن است کسی وجه دوم و سوم را بپذیرد. البته باید بدانیم که قطعاً این ها شامل کفار حربی و غیر ذمی نمی شود. تنها چیزی که باقی می ماند، کافر ذمی و معاهد است. که ممکن است به خاطر سه احتمال مذکور، این اطلاق را قائل نشویم. در اینجا خیلی سخت است که اطلاق بپذیریم. نهایتاً احتیاط مستحب در اینجا قائل باشیم. بعید نیست که بگوییم در مقام محاوره، بعید نیست



که همه به مسلم تعبیر بشوند. البته همان طور که بیان کردیم، اگر ما انصراف را نپذیرفتیم باید احتیاط مستحب یا در سخت گیرانه ترین حالت، احتیاط واجب کنیم البته فقط مشمول کافر ذمی و معاهد می شود.

نکته

قطعاً کفر حربی از این ها بیرون است، حتی اگر عموم و خصوص من وجه باشد، باز به خاطر اولویت شمول پیدا نمی کنند. نکته ی دیگر این است که در تمام روایات، اگر هم بگوییم از کافر انصراف دارد، از مسلم انصراف ندارد. در نتیجه شمول این طایفه قطعاً مسلم را می گیرد.

نتیجه گیری

روایات در فرق مختلف مسلمین شمول دارد. در مسلم، احتیاط واجب وجود دارد. در کافر غیر حربی نیز احتیاط مستحب است.